

سنتور بی مشکلاتیان و پایور شد



از تربیت کردند اما اینطور می‌نمود که چیزی را جامع آوری و کتاب کند و به دست نسل‌های بعدی برساند. این زحمت را شاید آقای صفوت و آقای پایور شنیدند آقای پایور در دهه چهل شاگرد آقای دولی بود و دیدف استاد را موبه موبه کرده بود و در اول کنش با بدخلت استاد دولی هست که از استاد پایور بابت این کارش تشکر کرده و اعلام کرد که اینها عینا همان ردیفی است که من اخیر کرده‌ام یعنی در حقیقت ایشان نه تنها در زمینه خاوری بیشتر بودند و در آن دهه موسیقی گل‌های فضای موسیقی سنتی را چه به لحاظ موسیقایی و چه به لحاظ شخصیتی ارتقا دادند. در آن زمان فضای خوبی برای موسیقی و موزیسین نبود و می‌شود گفت آقای پایور یک پنه بحث موقعیت اجتماعی و نظم و انضباط موسیقی را به دوش کشید.

در مورد تلفات ایشان، وقتی بررسی می‌کنید چیزی می‌بینید که در نظر گرفتن کیفیت خویشتن، قضا را در نظر بگیریم بیش از تلفات همه استاید امروزی است. بحث مستحار را کار نماند. ما در موسیقی سنتی با بحث عجیب کمبود حجم اثر مکتوب سروکار داریم و همین نکته در سه چهار قرن اخیر اسپه‌های زیادی به ما ماره است. خیلی جاهای می‌خواهم بگویم که بیرون پیشینه موسیقی ما چه بوده و می‌بینیم که خبری نیست مگر اینکه بریم از ترکیه یک چاره‌هایی را به رسم عبدالقادر بیوریم. که آن هم به نوعی ترکیه‌ای زده و ما سعی می‌کنیم که ایرانی‌اش کنیم. ما به دلیل همین نبودن فرهنگ مکتوب کردن آثار صوتی‌ها چیزی از گذشته‌مان نماند تا موقعی که صفحه نسنگی آمد و کارهایی در این مورد انجام شد. بنابراین واقعاً در این مورد مشکل نشاند داده و نمونه عملی و مهمی که در این زمینه کارهای مهم انجام داده است پایور است و اینها را دیگر در این زمینه چندان منظم و مرتب کار نکرده‌اند.

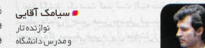
نکته دیگر استاد پایور این بود که آخرین استادی بودند که ردیف نوشتند. یعنی به نوعی مثل یک می‌مدد و آقای علی شهنشاهی که نوشتند و قلمدر و مرامش را خواد هر بزرگ علی کرمان بود. ردیفی نبود. و اگر حافظه و پیشکار آقای پایور نبود ردیف آقای صبا هم نت نشده بود. استاد پایور یک ردیف عالی - که اتفاقاً من هم دوره معلمی است - برای چپ کوک نوشتند که ردیف کرد چپ کوک و با همکاری است و کمتر کسی به انجام می‌رسد که بتواند آن را از یاد و خودی استی می‌کشد. می‌خواهد نوشتن آن ردیف در آن سبک کاری است که فکر می‌کنم از هیچ کس دیگر بعد از ایشان بر نمی‌آید.

من متأسفانه شاگردی مستقیم ایشان را نکردم اما سرچراغ گروه موسیقی نوازان برای دستموسیقی و گرفتن راهنمایی خودم است. می‌رسیدیم این زمان روی ویاور جانم بودند. ضابطان هم درست نمی‌آمدند و وید چیزی نبود. مترجم داشتند تا صاحب‌خانه‌های امری فهمیدیم اما اطراف می‌کردند با همین حالت هم راهنمایی‌مان می‌کردند. کار آهاده خود می‌فیلش و هم بعضش مردم خدمت ایشان، دستموسیقی کردم و ایشان با همان وضعیت که داشتند راهنمایی‌مان می‌کردند و واقعاً از این راهنمایی‌ها و تشویق‌ها انگیزه و انرژی می‌گرفتم. بزرگان جالب بود و خوشحال بودند که ما اینقدر حدی روی سنتور داریم. می‌کنیم. هر آن گروه موسیقی نوازان چهار ضابطه داشتند و می‌شود گفت اینها اولین گروهی بودند که در ایران با زبانت کردیم البته متأسفانه وضعیتش که داشتند این‌ها شد خدمتشان خیلی خراب بود و مرتباً به دستموسیقی می‌رفتند. درست هم نبود که ما زیاد مراجعت کنیم. شوم خیلی می‌گذشت. تا راحتی از اسانید بودند که دلتان می‌خواست ایشان را از اینسینا ما شاید به دلیل همین وضعیت نمی‌خواستند ایشان را در این وضعیت ببینند.

من به عنوان یک کنسرتور و به عنوان کسی که بحث آهنگسازی

سیاهک آقایی

جایگاه استاد پایور را می‌توان براساس نگرش‌های متفاوتی بررسی کرد. ایشان در زمینه‌های تجربه و تخصص داشتند. بیورس روی نسل خودشان و نسل بعد از خودشان تأثیر گذار بودند. یکی از تاثیرات نوازندگی سنتور و تعالی که در این قضیه ایجاد کرده و به نسل بعد از خودشان و نسل‌های بعد منتقل کردند و بحث دیگر قضیه گروه‌بازی است. این دو مشخص‌ترین تاثیرات استاد است و در کل می‌شاید آنقدری که این استاد بزرگ در زمینه موسیقی فرهنگ ایجاد کرده است. ایشان در زمینه‌های مختلف و متعددی صاحب‌میک بود. هنر و نواز بود. آنکه بعد از ایشان گروه‌های بزرگی به وجود آمدند و فعالیت‌های بزرگی انجام دادند. با این حال نواز بود. آنکه از دهه سی و چهل که ایشان در آن فعالیت‌های گسترده‌ای داشتند. مانند استاد ایشان در ترکیب سهارا سوار چیکبار را برای بارها استفاده کردند. تا با توجه استنادشان را می‌توانیم بررسی کنیم. یعنی ضمن آنکه به سمت سالیقه عموم رفت. کار فضای آزادی کرد که جذب بود. سوسونرتی گروهی ایشان با صدایی که در می‌آوردند و جنس عملی که آن گروه ارائه می‌کردند متمایز و متفاوت بود تا حدی که به خاطر حسرت است اگر نشانه کرده باشد. بنام استاد لطفی گفتند. موسیقی ما در آن اولایل پیدایش گروه شیدا در کار تخصصی صدای گروه بود. صدای گروه فرهنگ و هنر استاد پایور و سوسونرتی اصداهی این ملام بود و خیلی دوستش داشتیم و شاید یکی از علاقه‌مندی‌های مهم ما در آن موقع این بود که چنین صدایی را از گروه شیدا بردایند. قبل توجه در همین زمینه و معیظور تکواری ایشان این بود که جناب پایور تکنیک‌نوآوری سنتور را به حدی بالا برد و به جایی رسیدند که توقع‌ها خیلی بالا رفت. شما به عنوان یک نوازنده سنتور، قبل از ایشان با حتی در دوره‌های ایشان جوان بودند. شاید با چهار پنج سال سنتر وزن می‌آوردند. یک نوازنده خوب محسوب شوید و بیوهی یک‌جایه‌ای کارهایی بکنی ولی این سطح نوازندگی سنتور اصداً افتقر بالا برد که همگان کار نوازندگی بزرگی از یک نوازنده خوب سنتور خودشان شیدا قبل از آن شاید در مورد تار این اتفاق افتاده بود. چون از ده سال دوستی فرهای رسیده‌ام میرزا عبدالله و میرزا حسینقلی و آقای علی شهنشاهی و بعد به معاصرین رسید. شادا شده اما به پشت منسرتور چنین پیشینه و سلفی‌های به این شکل منسرتور و دارای ردیف و مسائل اینگونه نبود. شاید برای سنتور اولین ردیف را استاد صبا نوشته بودند. شاید هم آخرین آن را باقی بگذاریم. هم‌مطهری که می‌آید. برای این معاصر تار و سزارهای دیگر است. تکنیک آقای پایور خیلی خیلی بیشتر و با تار از تکنیک آقای صبا است. استاد صبا نوازنده ممتاز بود و ویولون و با این حال خوبی‌ها را هم در آنجا می‌دید. من هم شخصیت است. استاد صبا خیلی بهتر از استاد صبا ویولن می‌زند. استاد صبا استاد موسیقی است. صبا می‌باید نواز سنتور. استاد گروه‌بازی ایشان می‌کنند. در تلفاتی که استاد بزرگ داشتند. شاید استاد موسیقی استاد صبا اینسینا ولی بیشتر نتیجه تجارب و تکنیک‌های که خودشان با عشق و تلاش به دست آوردند. استاد صبا تکنیک نوازندگی را به جایی رساندند که نوازندگان باید به جای نسل‌های بیست ساله می‌زند تا می‌رسند. به جایی که به عنوان یک نوازنده خوب سنتور شناخته شوند. توقع‌ها را جلجلا کرد. حاصل دیگری که ایشان را از دیگر هوش‌ها - حتی از استاد صبا متمایز می‌کنند. بحث تلفات ایشان است. خود آقای صبا شاگرد‌های زیادی



از تربیت کردند اما اینطور می‌نمود که چیزی را جامع آوری و کتاب کند و به دست نسل‌های بعدی برساند. این زحمت را شاید آقای صفوت و آقای پایور شنیدند آقای پایور در دهه چهل شاگرد آقای دولی بود و دیدف استاد را موبه موبه کرده بود و در اول کنش با بدخلت استاد دولی هست که از استاد پایور بابت این کارش تشکر کرده و اعلام کرد که اینها عینا همان ردیفی است که من اخیر کرده‌ام یعنی در حقیقت ایشان نه تنها در زمینه خاوری بیشتر بودند و در آن دهه موسیقی گل‌های فضای موسیقی سنتی را چه به لحاظ موسیقایی و چه به لحاظ شخصیتی ارتقا دادند. در آن زمان فضای خوبی برای موسیقی و موزیسین نبود و می‌شود گفت آقای پایور یک پنه بحث موقعیت اجتماعی و نظم و انضباط موسیقی را به دوش کشید.

در مورد تلفات ایشان، وقتی بررسی می‌کنید چیزی می‌بینید که در نظر گرفتن کیفیت خویشتن، قضا را در نظر بگیریم بیش از تلفات همه استاید امروزی است. بحث مستحار را کار نماند. ما در موسیقی سنتی با بحث عجیب کمبود حجم اثر مکتوب سروکار داریم و همین نکته در سه چهار قرن اخیر اسپه‌های زیادی به ما ماره است. خیلی جاهای می‌خواهم بگویم که بیرون پیشینه موسیقی ما چه بوده و می‌بینیم که خبری نیست مگر اینکه بریم از ترکیه یک چاره‌هایی را به رسم عبدالقادر بیوریم. که آن هم به نوعی ترکیه‌ای زده و ما سعی می‌کنیم که ایرانی‌اش کنیم. ما به دلیل همین نبودن فرهنگ مکتوب کردن آثار صوتی‌ها چیزی از گذشته‌مان نماند تا موقعی که صفحه نسنگی آمد و کارهایی در این مورد انجام شد. بنابراین واقعاً در این مورد مشکل نشاند داده و نمونه عملی و مهمی که در این زمینه کارهای مهم انجام داده است پایور است و اینها را دیگر در این زمینه چندان منظم و مرتب کار نکرده‌اند.

نکته دیگر استاد پایور این بود که آخرین استادی بودند که ردیف نوشتند. یعنی به نوعی مثل یک می‌مدد و آقای علی شهنشاهی که نوشتند و قلمدر و مرامش را خواد هر بزرگ علی کرمان بود. ردیفی نبود. و اگر حافظه و پیشکار آقای پایور نبود ردیف آقای صبا هم نت نشده بود. استاد پایور یک ردیف عالی - که اتفاقاً من هم دوره معلمی است - برای چپ کوک نوشتند که ردیف کرد چپ کوک و با همکاری است و کمتر کسی به انجام می‌رسد که بتواند آن را از یاد و خودی استی می‌کشد. می‌خواهد نوشتن آن ردیف در آن سبک کاری است که فکر می‌کنم از هیچ کس دیگر بعد از ایشان بر نمی‌آید.

من متأسفانه شاگردی مستقیم ایشان را نکردم اما سرچراغ گروه موسیقی نوازان برای دستموسیقی و گرفتن راهنمایی خودم است. می‌رسیدیم این زمان روی ویاور جانم بودند. ضابطان هم درست نمی‌آمدند و وید چیزی نبود. مترجم داشتند تا صاحب‌خانه‌های امری فهمیدیم اما اطراف می‌کردند با همین حالت هم راهنمایی‌مان می‌کردند. کار آهاده خود می‌فیلش و هم بعضش مردم خدمت ایشان، دستموسیقی کردم و ایشان با همان وضعیت که داشتند راهنمایی‌مان می‌کردند و واقعاً از این راهنمایی‌ها و تشویق‌ها انگیزه و انرژی می‌گرفتم. بزرگان جالب بود و خوشحال بودند که ما اینقدر حدی روی سنتور داریم. می‌کنیم. هر آن گروه موسیقی نوازان چهار ضابطه داشتند و می‌شود گفت اینها اولین گروهی بودند که در ایران با زبانت کردیم البته متأسفانه وضعیتش که داشتند این‌ها شد خدمتشان خیلی خراب بود و مرتباً به دستموسیقی می‌رفتند. درست هم نبود که ما زیاد مراجعت کنیم. شوم خیلی می‌گذشت. تا راحتی از اسانید بودند که دلتان می‌خواست ایشان را از اینسینا ما شاید به دلیل همین وضعیت نمی‌خواستند ایشان را در این وضعیت ببینند.

من به عنوان یک کنسرتور و به عنوان کسی که بحث آهنگسازی

به عنوان یک کنسرتور و به عنوان کسی که بحث آهنگسازی